کارکرد در زبان‌های شیءگرا

حال سؤال این است: این من‌ِپایه‌محور، ای هوش ضعیف در سیستم‌های خبره، ای در فضای شیءگرا، وقتی به برنامه‌های که در ماینتور آمده نگاه می‌کنیم، آیا ما هستیم که در آن‌ها معنا و فهم می‌بینیم - همانطور که در تابلو، ما ایده می‌بینیم، در آن‌ها هم ما هستیم که معنا می‌بینیم - یا اگر ما نباشیم و ذهنی نباشد، او دارد کار خودش را انجام می‌دهد؟ این سؤال، سؤال مهمی است که آیا مستقل از ناظر هست یا نیست؟

جلسه قبل گفتم که وقتی زبان، شیءگرا شد، در باطن یک شیء، خیلی از چیزها را می‌گذارند. قبلاً هم در خصوص مشیری که اشاره می‌کند، گفتم که در خود مشار الیه، خیلی چیزها جمع است و یک شبکه تشکیل می‌دهد. در این شیء، خیلی از چیزها هست، ولی دو عنصر مهم در زبان شیءگرا که جزء لاینجزای آن شیء است، یکی **صفات** است و دیگری **کار** است؛ هر شیء یک اوصافی دارد و یک کارهایی هم انجام می‌دهد. آنچه که الآن می‌خواهم روی آن تأکید کنم، این است: بخش بسیار مهم در تصمیم‌گیری در بحث ما، بخش **کار**ش است. وقتی شما بخشی از حافظه را به‌عنوان جزء لاینجزی و به‌عنوان یک شیء در نظر می‌گیرید، این شیء غیر از خصوصیاتی که دارد، یک کار انجام می‌دهد؛ کاری که مال آن شیء است. چرا این کار را انجام می‌دهد؟ به اقتضاء شیءای - که شما به‌عنوان جمع‌آوری بایت‌ها و چیزهای مختلف به عنوان یک شیء در نظر گرفته‌اید - این کار، مال آن شیء است.

فرض کنید شما طوری آن را برنامه‌نویسی کنید که مثلاً این رباط یک باغ را آب بدهد؛ نگاه می‌کند و اگر یک درختی نیاز به آب دارد، شیر آب را باز کند و به آن آب بدهد؛ چیزهای مختلف و کارهای جور و واجوری هست. وقتی این برنامه‌ی آن - به‌عنوان یک شیء که الآن من‌ِپایه‌محور شده - از او **کار**ی صورت می‌گیرد - یعنی برنامه او طوری است که هم خودش یاد می‌گیرد تا کارهایی هم که شما به او نگفته بودید و ما هم خودمان بلد نبودیم، او در اثر آموزش عمیق، راه‌های جدید را هم یاد می‌گیرد که درخت‌ها را به چه صورتی آب دهد تا آسان‌تر باشد، این را یاد می‌گیرد و خودش هم انجام می‌دهد - در اینجا چون دارد یک کار انجام می‌شود، نمی‌توانیم بگوییم اساس کار ِاو - که من‌ِپایه‌محور است - از ناظر مستقل نیست، بلکه مستقل است. یعنی اگر فرض بگیرید همه انسان‌ها بمیرند و همه ذهن‌ها از بین بروند، او می‌تواند؛ آن‌ها مرده‌اند ولی او دارد آبیاری خودش را انجام می‌دهد. اینطور نیست که من باید باشم و ببینم تا به نظارت من، آن پایه، پایه باشد. چرا؟ چون پایه معدّ‌محض نیست و ما در این مسیری که طی کردیم، به جایی رسیدیم که این پایه از اعداد محض در رفته. چه چیزی سبب شده که از اعداد در رفته؟ به قول خودشان خصوصیت اکشن(Action) یا خصوصیت متد(Method) باعث شده؛ چون به واسطه فراهم کردن فضا برای او، او دارد روی نظم خودش، بدون نیاز به یک ناظر، چیزهایی را تشخیص می‌دهد و طبق تشخیص آن‌ها، کار انجام می‌دهد.

بازبینی #2
ایجاد شده 10 فوریه 2025 12:16:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2025 12:39:12 توسط ... .